

بساطی که جمع میشود؛
ده سال بعد، نوبت خانه کارگر است؛

دستمزدها در قلب سیاست ایران!

مصطفی اسدیپور

همه چیز بطور ناگهانی و سریع به انجام رسید. روز ۲۹ اسفند ماه پرونده دستمزدهای سال ۱۴۰۳ در میان اختلافات عمیق و حل نشدنی با رای گیری اعضای شورا بسته شد. آلترناتیو «ماینندگان کارگری» با بی حوصلگی و بی اعتنائی کامل کنار گذاشته شد، آلترناتیو وزیر کار با تأیید ماینندگان کارفرمایی و دولت به تصویب رسید، بخشنامه وزارت کار از قبل آماده بود و مصوب شورای عالی کار، یکبار هم که شده بدون پیچ و خم در فاصله نیم ساعت قانون از آب در آمد. اینجا نه شورای عالی کار و نه مصوبه دستمزدی آن یک سر سوزن اهمیت ندارند، بلکه این خانه کارگر است که در مرکز رویدادها قرار میگیرد.

ده سال پیش در زمان جمهوری احمدی نژاد و چهرمی در راس وزارت کار بساط شوراهای اسلامی کار جمع شد. این ارگانهای ارث خمینی، پرچمداران عدل اسلامی و ماینندگان منافع کارگران مظلوم در مقابل جمهور نظم و تولید دم خود را روی کول گذاشته و به حاشیه رفتند. امروز، قریب ده سال بعد، نوبت خانه کارگر است که با همان سرنوشت دست و پنجه نرم کند. ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور «دولت مظلومان» این دردانه بی جهت «اقتصاد»، «تولید» و «کنترل تورم» با صولت مرتضوی در راس وزارت کار، نقش شورای عالی کار را مستقیماً مورد حمله قرار داد. ... صفحه ۲

نوروزتان پیروز!

نوروزتان پیروز
مردم آزادیخواه ایران

سال نو را از صمیم قلب به همه شما عزیزان تبریک میگویم.

آغاز بهاری دیگر با تمام زیبایی آن را به شمای که سالهاست علیه تباهی، سیاهی، سرکوب، خفقان و تبعیض و حکومتی سرتاپا سیاه و مختنق ایستاده اید و دریچه امید به دنیایی آزاد و برابر را باز گذاشته اید، تبریک میگویم.

نوروز روز شمای است که حتی سیاه ترین حکومتها قادر به مقاومت در مقابل عطش بی پایان به زندگی، به شادی و به آزادی نشد. روز مردمی که عطش به زندگی آزاد، بهتر و سعادتمند را چه در اعتراض و خیزش و فریادهای خشم آلود و چه در جشن به پیشواز سال نو رفتن و شادی و چه در مقاومت و ایستادگی در زندان ها به تخت سینه دشمنان خود میزنند.

از طرف رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی) نوروز و آغاز سال نو را به شما تبریک میگویم و سالی سرشار از موفقیت، پیشروی و آزادی و شادی را برایتان آرزو دارم.

آذر مدرسی
۲۸ اسفند ۱۴۰۲

پرچم «قطع جنگ» در دست قصابان غزه

خلد حاج محمدی

آمریکا «خواهان قطع فوری جنگ» در نوار غزه شده است! بر اساس اخبار خبرگزاری های مختلف، دولت آمریکا پیش نویس قطعنامه ای را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرده که در آن خواستار «توقف فوری» جنگ در نوار غزه شده است. بدنبال این اقدام آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا عازم خاورمیانه شده است. بلینکن در دیدار از عربستان سعودی به شبکه الحدث مدعی شده است: «ما در حقیقت قطعنامه ای ارائه کرده ایم که در حال حاضر نزد شورای امنیت است و در آن درخواست توقف فوری جنگ و آزادی گروگان ها مطرح شده است».

شبکه های مختلف خبری به نقل از این قطعنامه نوشته اند که در آن، از «نیاز فوری به افزایش ارسال کمکهای بشر دوستانه به غزه، برچیدن موانع ورود کمکها و باز کردن گذرگاه های ضروری» اشاره شده است. همزمان و طبق این طرح دولت بایدن نسبت به خطر قحطی و بیماری های همه گیر و فاجعه بار و گرسنگی در غزه ابراز «نگرانی عمیق» کرده است. به نقل از این طرح اشاره شده است که واشنگتن نسبت به پیامدهای حمله زمینی به رفح ابراز نگرانی کرده است و با آن مخالف است.

خود قطعنامه تا کنون جایی منتشر نشده است و اما اگر مینا را درستی اخبار خبرگزاری ها در مورد مضمون قطعنامه آمریکا قرار دهیم، طرح این ادعاها از جانب دولت آمریکا، مستقل از جنبه تبلیغاتی و ریاکاری آن، این سوال را به میان می آورد که دلیل جست و خیزها و ادعاهای «صلح طلبی» و «دلسوزانند برای مردم فلسطین» از جانب دولت بایدن چیست؟ چه اتفاقی افتاده که بزرگترین دولت حامی و شریک جرم اسرائیل در نسل کشی مردم فلسطین، امروز از کشتار مردم و گرسنگی و قحطی و... ابراز «نگرانی عمیق» میکنند. ۵ ماه و نیم است مردم فلسطین در مقابل چشم جهانیان از زمین، هوا و دریا بمباران و دسته جمعی توسط اسرائیل با حمایت همه جانبه دول غربی و در راس آن ایالات متحده کشتار میشوند. در این مدت سه بار قطعنامه های که برای توقف بشردوستانه جنگ به شورای امنیت سازمان ملل رفته است را دولت آمریکا وتو کرده است که آخرین مورد آن قطعنامه الجزایر در ۲۰ فوریه ۲۰۲۴ است. در تمام این ۵ ماه و نیم بایدن و دولتش همراه بسیاری از روسای دولتهای حامی اسرائیل ضمن ابراز نگرانی های آبکی و دروغین از میزان تلفات غیر نظامیان و کشتار مردم بیگناه، همواره به تنها مخالف قطع جنگ و حتی وقفه در آن که بعلاوه اسرائیل را در این نسل کشی از هر نظر مالی و نظامی تا سیاسی و تبلیغاتی حمایت کرده اند. ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

کارگران فولاد اهواز چه میگویند؟

به فراخوان فولادگران پاسخ دهیم:

« بیاییم همه با هم جمع بشویم، دلیل و استدلال بیاوریم؛ و آنوقت فکری بکنیم. روزهای سختی را می گذرانیم. فقر و فلاکت همه جا را گرفته. کرونا هم مزید بر علت شده و همه مان را در چنگال خودش گرفته. واقعا این حقه که باید همه مون نه تنها هر روز برای تامین معیشت خانواده مان جون بکنیم، تازه برای گرفتن هر یک از حقوق مان هم بجنگیم؟ مگر ما چقدر انرژی داریم؟ هر روز با نگرانی و ترس از خواب بیدار شویم؛ تمام روز زحمت بکشیم و بعد خسته و مستاصل و نگران به خانه برگردیم. این واقعیت زندگی فقط ما نیست. ده ها میلیون نفر همین وضعیت را دارند. تازه ما جزو خوش شانس ها هستیم. هنوز کار داریم. این روزها یک تلاشی براه افتاده تا یکی از حقوق مان که در قانون همین کشور بی قانون ثبت شده را از دولت بگیریم: «حق بدی آب و هوا». این حق ماست. باید بدهند. اما نمیدهند. چرا؟ چون زورشان زیاد است! به همین سادگی. تلاش شده که امضاء هم جمع شود؛ امضای تمام کارگران را بگیرند و به دولت بدهند. میگویند اگر اینکار را بکنیم این حق را به ما میدهند. یعنی ماهی هشتصد هزار تومان. اما همین مبلغ ناچیز تو زندگی ما تاثیر دارد.

اما یک سوال پیش میاد:

چرا لازم است همه کارگران امضاء کنند؟ چرا باید تو محل کار بگردند و امضاء جمع کنند؟ مگر این حق قانونی ما نیست؟ مگر دولت نمیداند که همه کارگران این حقشان را طلب می کنند؟ مگر دولت نمیداند که فقر آنچنان دمار از روزگار همه درآورده که هر میزان، هر چقدر ناچیز، مطالبه تک تک کارگران است؟ آیا این امضاء جمع کردن یکی از حیل‌های دیگر دولت و کارفرما نیست؟ سعی ندارند اینطوری ما را دنبال نخود سیاه بفرستند؟ ما را سر کار بگذارند؟ ما را امیدوار کنند تا بعد از اینکه آنها از آسیاب افتاد، بزنند مان زمین؟ کم از این حیل‌ها دیدیم؟ باید گفت امضاء بی امضاء؛ حق مان را بدهید. همه کارگران این مطالبه را دارند؛ امضاء دیگه چه بازی است!

تازه به همین جا ختم نمیشود. بعد از امضاء ها باید مجموعا مبلغ یک میلیارد تومان به وکیل بدهیم تا این کار را پیگیری کند. وکیل؟ برای چی؟ از کی تا حالا کارگران برای گرفتن مطالبات شان و حق قانونی شان باید وکیل بگیرند؟

وکیل برای وقتی است که دستگیر می کنند و تهمت بهمان می زنند. برای گرفتن مطالبه کاری که به وکیل نیازی نیست. یعنی هر نفر باید دو میلیون تومان بدهد تا شاید بعد از چند ماه هشتصد هزار تومان بگیرد! بیاییم همه با هم جمع بشویم و حرف بزنییم، بحث کنیم، دلیل و استدلال بیاوریم؛ همدیگر را قانع کنیم. اگر همه یا اکثریت رضایت دادند آنوقت فکری بکنیم. فواید و مضرات این تلاش را بسنجیم. این تنها راه درست و اصولی است. کارگران باید همگی در جریان تصمیم گیری قرار بگیرند. دولت میداند کارگران زیر فشار کمرشان خم شده، خسته اند؛ مستاصل و عاصی اند و دارد از این شرایط نفع خودش بهره برداری میکنند. میخواهند اینطوری کارگران را برای مدتی ساکت کنند.

ما برای حق خواهی اتفاق نظر داریم ولی راه رسیدن به این حق مورد بحث و مشاجره است. آیا راه درست جمع آوری امضاء است یا تلاش و مبارزه جمعی و متحد؟ حق بدی آب و هوا یا اولاد یا مسکن یا اضافه کار حق ماست. بدون بحث باید بدهند. آیا زور وکیل به آنها میرسد؟ اگر هم با این شرایط بدهند جز این است که انتظار دارند برای مدتی ما را به سکوت بکشانند؟ آنوقت ضرر این سکوت خیلی زیاد است. طی این دوره سکوت همبستگی و اتحادمان ضربه می خورد. ترمیم روحیه اعتماد و همبستگی کار بسیار بسیار سختی است. ما با این پروژه (جمع کردن امضاء) چنان ضرباتی به موقعیت خودمان می زنیم که جبران زحمت زیادی لازم دارد. این پروژه به کارگران عقب نشینی تحمیل می کند.

اما اگر تلاش کنیم همه کارگران را در پروسه تصمیم گیری دخالت بدهیم و هر وقت که مساله کاری در میان بود بتوانیم دور هم جمع شویم، قادر خواهیم بود با مشورت و خرد جمعی بهترین تصمیم را برای منافع پرسنل بگیریم. پس به جای عقب نشینی، متحد و آهنین در کنار هم و با اعتماد به نفس بالا حق خواهی میکنیم. اجازه ندهیم که این دولت و کارفرما با حیل‌ها و ترفند‌ها بین ما تفرقه بیندازند.»

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد - آدرس کانال

<https://t.me/sedayemostaghfolad>

او به مخالفت «نماینندگان کارگری» شورا و تهدیدهای آنها اهمیت نداد، خر خود را راند: «از سال آینده این بساط تعیین مزد به این شیوه را جمع کرده و از مسیر دیگری در مجلس کار را جلو می‌بریم» (ایلنا، دوم فروردین ۱۴۰۳) درست همانطور که جهرمی نمایندگان کارگری در شوری عالی کار را راسا منصوب ساخت و با دخالت مستقیم دولت دستمزدها را رقم زد.

این اقدام برای صولت مرتضوی و رئیس دولت متبوع او کاملا قابل پیش بینی بود، سر و سامان دادن به صف سرمایه و کارفرماها یک دم از دستور دولت خارج نشده است. سالیانست که مصوبه پشت مصوبه، شورای عالی کار مصدر مذاکره و اعمال نظر و منافع دستمزدی کارگران نبوده است. سالیهای سال است در یک خیمه شب بازی، فیل یک رقم دلخواه و بشدت پرت به مقوله دستمزد را هوا کرده اند؛ و با هر قدر قهر و آشتی؛ اما یک به یک خشت های توافق پایه ای در دست اندازی سرمایه به طبقه کارگر روی هم چیده شده است. همه گیری قراردادهای موقت، خروج کارگاههای کوچک از شمول قانون کار، طرح استاد و شاگردی، سوبسیدهای عظیم به بنگاه های تولیدی، ممنوعیت ورود بازرسان ایمنی محیط کار، تغییر مقررات انضباطی به نفع اقتدار کارفرما در اخراج کارگران و بسیاری دیگر همه اسکناس هایی است که جلوی دماغ کارفرماها گرفته شده است تا در مقابل خراشی کوچک بر منافعشان ناشی از مصوبات شورای عالی کار در افزایش کذایی دستمزدها، زیادی غر نزنند. این مالیخولیا را باید با تورم، با قیمت نان و بنزین، مافیای پارانها و نقش خدمات مستقیم و ردیالنه کل دستگاه سرکوب جمع زد. نقش خانه کارگر بعنوان جاده صاف کن این مصوبات در همراهی با دستمزدهای ناچیز ولی پرطمطراق انکار ناپذیر است.

بساط شورای عالی کار و چانه زنی کذایی آن در یک چیز خلاصه شده است: «سرمایه سود نبرد، میرود و کارگر از اشتغال و در نتیجه از نان میافتد». این کفگیر به ته دیگ خورده است و خدمات خانه کارگر در مهار نارضایتی و توقعات کارگری در چهارچوب منافع و مصالح سرمایه دیگر مورد نیاز نیست. کاری را که خود وزیر میتواند انجام دهد، وظیفه ای که به عهده مجلس است چرا باید به مافیای محبوب و شرکا سپرد؟ دستمزد سال ۱۴۰۳ با رقم ۳۵ درصد به پایان رسید. این مصوبه، درست مثل همه مصوبات دیگر شورای عالی کار، نسبت به واقعیت تورم و محاسبه مخارج یک کلاهبرداری کثیف است، همزمان نسبت به توقعات و معیشت کارگران مصوبه ای سراسر جنایتکارانه است. باید اضافه کرد همه قیل و قال خانه کارگر و «نماینندگان کارگری» آن در افشاگری و مقابله با آن مانند نمونه های مشابه قبلی از چرند فراتر نمیرود.

کسی بر سرنوشت خانه کارگر به سوگواری نخواهد نشست. تصفیه حساب میان خانه کارگر و دولت یک تصفیه حساب سخت و پیچیده را در پیش رو خواهد داشت، دیر یا زود، تکلیف «اپوزسیون مجاز و رسمی» و «تکلیف رفرمیسم قانونی» باید یک زمان در دستور بخشهای حکومت قرار میگرفت. این کشمکشها ربطی به منافع کارگران ندارد، اما جز با دخالت مستقیم خود کارگران نباید از سر بگذرد. بیش از هر وقت دیگر جا دارد که رهبران کارگری تصویر بزرگتر را در تحولات و کشمکشهای طبقاتی مد نظر قرار دهند. در مورد دستمزدها شاید کافی باشد ریشه و شواهد رویدادهای امروز را از چند سال پیشتر و در وری تصمیمات یک وزیر کار لجباز، و در دل مبارزات کارگری در نظر گرفت:

رویداد اول: گرماگرم اعتصاب نیشکر و در ماجراهای «سکو» در میان توده کارگران مشتاق، کیهان شریعتمداری بقلم خود او نوشت پس این خانه کارگر با آنهمه ادعا و ثروت و امتیازات حکومتی چرا نمیتواند جلوی این اعتصاب را بگیرد؟ این سوال پیش تر در رابطه با اعتصاب هپکو و آذراب در رسانه ها انعکاس یافته بود. نیشکر موضوع دستمزد را در قالب «نمیتوانید؟ کنار بروید، خودمان اداره میکنیم»، به جلو صحنه میراند.

رویداد دوم: را باید در اعتصابات دوقولوی نیشکری ها در فولادگران اهواز و در مجامع عمومی آنها سراغ گرفت. این بیانیه سیفون همه نقش و ادعا و نسخه های خانه کارگر را یکجا میکشد.

به دنیای سیاست ایران بدون خانه کارگر بدون شورای عالی کار خوش آمدید!

وقت آن است دستمزدها را از زیر دست «صنفي گری» و از نمایش عزاداری فقر کارگری بیرون کشید. مهمترین فاکتور اقتصاد سیاسی در جامعه راه به خیابانها پیدا کرده است و دخالت تمام قد طبقه کارگر را میطلبد. در اولین گام، دولت و طبقه سرمایه دار را باید در زمین دستمزدها افسار زد:

آزادی تشکل های مستقل کارگری

تعیین دستمزد در مذاکرات مستقیم نمایندگان کارگران و کارفرماها

آزادی فوری و بی قید و شرط همه کارگران زندانی

حق بی چون و چرای اعتصاب

آنها همراه با عربده کشی ها و تهدید و خط و نشان کشیدن های توخالی، همگی در مقابل جهانیان به عکس تبدیل شده است و خود این ها دامنه اعتراض و ناراضی را بیش و بیشتر کرده است.

اما و مستقل از ادعاهای دولت های غربی و پرچم دروغین صلح طلبی آنها، مستقل از اشک تمساح ریختن این دولتها برای مردم فلسطین، مردم متمدن جهان نقش مخرب آنها در فلسطین را میدانند. خواست محاکمه روسای این دولتها در دادگاههای بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت همراه و در کنار روسای دولت اسرائیل امروز در سراسر جهان به پرچم و خواست اعتراضات تبدیل شده است. بایدن، سوناک، استارمر، مکرون، شولتس و بسیاری از روسای دول غربی امروز در کنار نتانیاهو، بنی گانتس و هاگاری و... به عنوان قصابان و عاملین نسل کشی شناخته میشوند. پرچم صلح طلبی بایدن و دولتش و ترس از باخت در انتخابات آمریکا و اشک تمساح ریختن برای مردم فلسطین سر سوزنی نقش مخرب و جنایات وسیع و جرایم سنگین آنها را پاک نمیکند.

اما و مستقل از دولت بایدن و عقب نشینی های میلی متری و از سر اجبار برای کسب رای، واقعیت این است که تمام دولتها، چه در غرب و چه در شرق، چه آمریکا و چه دول اروپایی و چه دول عربی و حتی چین و روسیه، هر کس در دل این بحرانا دنبال منافع خودش است. اینکه دول غربی و در راس آن آمریکا از عاملین نسل کشی در غزه هستند، سر سوزنی نقش مخرب و معامله گری دولتهای دنیای عرب و دول ایران و ترکیه و ریاکاری آنها در «دفاع» از مردم فلسطین را کم نمیکند. در دل نسل کشی اسرائیل در میان دول منطقه و حامیان دروغین فلسطین، در میان دولتهایی که به ظاهر منتقد سیاست اسرائیل و دولتهای غربی هستند، هیچ اقدام عملی و جدی ای علیه اسرائیل انجام نگرفت. نه مصر و نه عربستان، نه قطر و ترکیه و نه چین و نه روسیه و... هیچکدام حتی يك ساعت هم مناسبات خود با اسرائیل بدلیل نسل کشی مردم فلسطین را قطع نکرده، سفارتهای این کشور را نمستند، داد و ستد نظامی و اقتصادی را قطع نکرده و هیچ دولت و نهاد بین المللی خواهان تحریم نظامی و اقتصادی و سیاسی علیه اسرائیل نشد. در دل بحران در خاورمیانه و نسل کشی در فلسطین همه دول مرتجع در جهان و منطقه سیاست خود را بر بذر منافع خود و سبک سنگین کردنهای دیپلماسی کردند و جز غر و لندها و انتقادات و اظهار تاسف های توخالی، اقدامی عملی و جدی علیه اسرائیل انجام ندادند.

واقعیت این است که حامی اصلی مردم فلسطین و مخالف اصلی جنایت و توحش اسرائیل طبقه کارگر و مردم متمدنی است که در این مدت در سراسر جهان دست به اعتراض و تجمع و اعتصاب زدند. درجه انتقاد دولتهای مخالف این نسل کشی تابعی از میزان فشار جنبشی بود که در سراسر جهان پرچم حمایت از مردم فلسطین را بر افراشت. افسار کردن دولت اسرائیل و عقب راندن و پشیمان کردن دولتهای غربی از حمایت از اسرائیل تنها کار جنبشی است که امروز بیش از هر زمانی علیه کشتار این مردم، علیه دولت فاشیست اسرائیل و علیه نسل کشی در فلسطین در سراسر جهان به میدان آمده است.

کارگران کمونیست!

حزب ما،
سنگر اتحاد و
تشکل حزبی شما است.

حزب را از آن خود کنید!

اما قطعنامه پیشنهادی آمریکا که به شورای امنیت سازمان ملل رفته است، مستقل از مضمون و سرنوشت آن، مطلقاً ربطی به مخالفت آمریکا با دامنه توحش علیه مردم فلسطین و جنایات همه جانبه اسرائیل در نوار غزه ندارد. آمریکا خود از مجرمین و عاملین اصلی این توحش است! مشکل آمریکا کشتار مردم فلسطین و ویرانی خانه و کاشانه آنها و نابودی کل منطقه و غیر قابل زیست کردن غزه نیست. همه این جنایات و آدم کشی با توافق و همکاری و دخالت و شراکت مستقیم دولت آمریکا انجام گرفته است. مشکل معضلاتی است که ادامه این توحش در فلسطین و تبدیل منطقه به حمام خون، در خود غرب و مشخصاً آمریکا برای حاکمین بر این کشور بوجود آورده است.

اولا اهدافی که غرب و دولت فاشیست اسرائیل با کشتار مردم فلسطین دنبال میکرد نه تنها برآورد نشده است، موقعیت اسرائیل به عنوان بازوی نظامی، پولادین و میلیتاریسم آمریکا در خاورمیانه بشدت تضعیف شده است. بحران فلسطین و نقش دولتهای غربی در حمایت از اسرائیل و شراکت مستقیم آنها در این توحش، مستقل از اینکه نفرت عمومی از دول غربی را عمیقاً دامن زده است، دولت بایدن را با چالشهای بزرگی طرف کرده است. مهمترین فاکتوری که بایدن و دولتش را مجبور به بلند کردن پرچم پایان جنگ یا توقف «بشردوستانه» آن کرده است (که البته باید دید این شایه را با چه بسته بندی تحویل داده اند) و به شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه فرستاده است، انتخابات آمریکا و نگرانی حزب دمکرات و شخص بایدن از شکست در این کارزار است.

نسل کشی در فلسطین جنبشی عظیم و انسانی را علیه اسرائیل و حامیان او در سراسر جهان به میدان آورده است. این جنبش در خود آمریکا و در مهمترین شهرهای این کشور چالشهای بزرگی را در مقابل حاکمین و مشخصاً دولت بایدن دامن زده است.

حزب دمکرات آمریکا که در انتخابات پیش رو بایدن را به عنوان کاندید ریاست جمهوری خود معرفی کرده است، تاریخاً در مقابل جمهوری خواهان روی بخشهایی از مردم آمریکا حساب باز میکرد که امروز اکثر مخالف سیاست بایدن در حمایت از اسرائیل هستند. اعتراضات در پایین جامعه آمریکا و در میان هوادارن سنتی حزب دمکرات به سیاست این حزب و شخص بایدن در قضیه فلسطین هر روز بالاتر رفته است و خواست فوری قطع جنگ و پایان نسل کشی و قطع حمایت های مالی و نظامی از اسرائیل در تجمعات بزرگ و کوچک در این کشور بیان میشود. کم نیستند مواردی که سخنرانی های بایدن در میان هوادارن حزب دمکرات در شهرهای مختلف با هو کردن و شعار در دفاع از فلسطین قطع شده است. این در شرایطی است که از هفتم اکتبر تا کنون بایدن و دولتش در کنار اسرائیل ایستاده و همه تلاش خود را برای ادامه کشتار مردم فلسطین انجام داده است. در این مدت کمکهای نظامی آمریکا به اسرائیل بشدت بالا رفته است، قطعنامه های مختلف برای وقفه در جنگ در سازمان ملل و شورای امنیت با مخالفت و وتوی آمریکا طرف شده است. کنگره آمریکا زیر فشار بایدن و دولتش برای تصویب بوجه ۶۰ میلیارد دلاری برای کمک به اسرائیل و اوکراین قرار گرفته است. این اقدامات و سیاست جنگ طلبانه در شرایطی است که نه تنها اکثریت بزرگی از مردم آمریکا با آن مخالفند که رای دهندگان سنتی به حزب دمکرات، از مخالفین جدی چنین سیاستی هستند.

بلند کردن پرچم دروغین «صلح طلبی» در فلسطین و خواست پایان جنگ توسط بایدن و بردن قطعنامه به شورای امنیت (مستقل از اینکه روح آن چیست و در چه بسته بندی ای پیچیده شده است)، انعکاس فشار پایین در جهان و مشخصاً در خود آمریکا علیه سیاست حمایتی این کشور از اسرائیل است. ترس از روی گردانی رای دهندگان به حزب دمکرات و شخص بایدن، امری که در بسیاری از نظر سنجی ها مشخص است و از بایدن به عنوان یکی از نامحسوب ترین رئیس جمهورهای آمریکا اسم برده میشود، بایدن و حزبش را به تکاپو انداخته است. دامنه ناراضی و اعتراض به سیاست بایدن و دولتش امروز علاوه بر مردم آمریکا حتی در صفوف خود حزب دمکرات باعث انشقاقات و مخالفتها و تردیدها شده است. اختصاص بوجه های بزرگ نظامی چه برای کمک به اسرائیل و چه در جنگ اوکراین علیه روسیه که در هر دو مورد نه تنها توفیقی در چشم انداز نیست که شکست امری واقعی است، سطح ناراضی را در پایین جامعه و در میان مردمی که فقر و بیکاری و گرانی کمرشان را خم کرده است، بشدت بالا برده و در میان هیئت حاکمه و حتی بخشی از پرسنل نظامی و دستگاه اداری دولت و هر دو مجلس و دو حزب حاکم تردیدات و نگرانی های جدی ایجاد کرده است. قول های اولیه روسای آمریکا و میدیای دست راستی آنها برای موفقیت فوری چه در اوکراین و چه در فلسطین و خیال پردازی های سطحی و احمقانه

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دیبرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دیبر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دیبر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

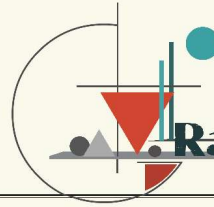
sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دیبر: فواد عبداللہی



صدای آزادی، صدای برابری

Radio

Nina

radioneena.com

نینا

پخش برنامه‌های نینا
از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena